

نبرد های شاپور اول شاهنشاه ساسانی

نوشتار: دکتر کاوه فرخ

برگردان: حسام الدین شافعیان

ساسانیان (حکومت: ۶۵۱-۲۲۶ م) کشور خود را "سرزمین آریاییان" یا "ایران شهر" می خواندند و این امر به روشنی در خطوط یکم تا ششم متن پهلوی کتیبه شاپور یکم در کعبه زرتشت دیده می شود. شاپور یکم (حکومت: ۲۷۲-۲۴۱ م) تاج و تخت شاهنشاهی ساسانیان را از پدرش اردشیر بابکان (حکومت: ۲۴۱-۲۲۴ م) دریافت کرد. شاپور از همان اولین روزهای قیام اردشیر در پارس تا نبرد با الکساندر سوروس امپراتور رومی در کنار پدر شرکت داشت. شاپور قابلیت های جنگاوری خود را به خوبی اثبات کرد و خیلی زود دستاوردهای نظامی اش از پدرش نیز فراتر رفت. اولین اقدام نظامی شاپور به عنوان شاهنشاه تسخیر شهر هترا بود که تا کنون در برابر ارتش های نیرومند رومی ها و اردشیر ساسانی ایستادگی کرده بود. شهر دژ مانند نصیبین نیز در ۲۴۱ میلادی (یا شاید در دوران اردشیر در ۲۳۸ میلادی) فتح شد. استراتژی شاپور این بود که با اسواران خود به سرعت به سمت شهر رفته و شهر را محاصره کند. شکست دادن مدافعان سرسخت نصیبین کار ساده ای نبود ولی بالاخره بعد از این که ایرانیان شکافی در دیوار مستحکم شهر ایجاد کردند آن ها را وادار به تسلیم کردند. سقوط نصیبین به شاپور این امکان را داد تا به سوریه یورش برده و انطاکیه و حران (کرمه) را تصرف کند (Zarrin'kub, 2002, p.193).

تلاش گوردیان سوم برای شکست شاپور اول

امپراتور جوان رومی گوردیان سوم (حکومت: ۲۴۴-۲۳۸ میلادی) به سرعت برای بازیابی موقعیت رومیان در خاورمیانه و نابودی شاپور وارد عمل شد. وی پس از برخی موفقیت های اولیه برای شکست نهایی شاپور از رود فرات گذشت. از این به بعد دو نسخه از ماقوع در دست است. نسخه اول آن است که منابع یونانی-رومی زیادی از جمله *امیانوس مارسلینوس* (17, 5, XXIII)، *فستوس* (Brevarium, 22, p.64, 2-7) و *جوردینس* (Historia Romana, 282, p.36, 27-31) روایت می کنند گوردیان و شاپور در نبرد نهایی روبروی هم قرار گرفتند و گوردیان در آن پیروز شد ولی سپس به دست فرمانده گارد محافظان خود *فیلیپ عرب* کشته شد. این نسخه "رسمی" واقعه را تا کنون در غرب تدریس می کردند تا اینکه اخیرا پژوهش های باستان شناسی و ترجمه منابع بیشتری به انگلیسی نسخه دیگری از این وقایع به دست داد.



باور عمومی بر این است که گوردیان سوم پس از چند موفقیت اولیه، در نبرد مقابل شاپور کشته شد

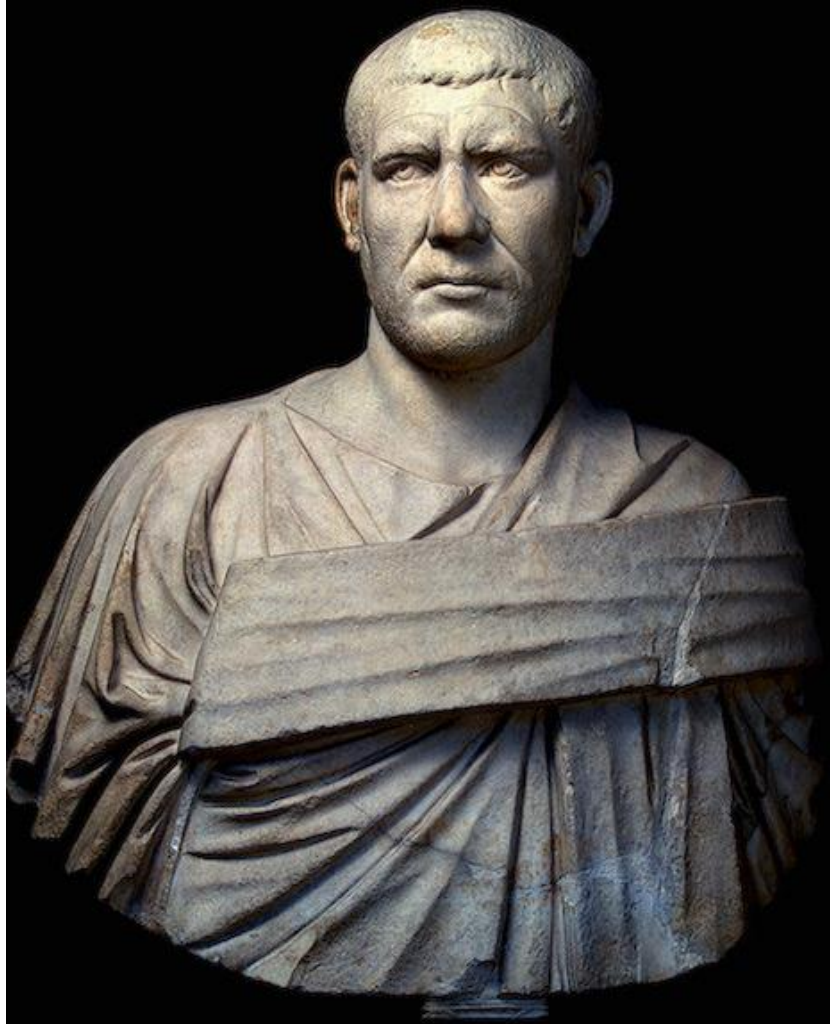
اوراکولا (XIII, 13-20) و زوسیموس (III, 32.4) به روشنی بیان می کنند که گوردیان در نبرد نهایی در برابر شاپور شکست خورده و کشته شد. این گزارش ها که عمدتاً هم نادیده گرفته می شوند با شواهد باستان شناسی در سنگ نگاری های بیشاپور در ایران انطباق می کند. در این سنگ نگاری ها گوردیان را می بینیم که در زیر پای اسب شاپور لگدمال شده است. جالب اینجاست که سدرنوس می نویسد "او [گوردیان] پس از سقوط از اسب خود کشته شد..." (I, p.450-451, I, 11-12). نوشتاری در تایید پیروزی شاپور در سنگ نبشته های شاپور به چشم می خورد که در آن به روشنی اعلام می کند در میسیکه (الانبار امروزی) شمال تیسفون به گوردیان شکست سختی وارد آورد. سنگ نبشته شاپور در نقش رستم اعلام می کند "در" میسیکه "در آسورستان نبرد سختی در گرفت و" قیصر گوردیان "کشته شد و ما سپاه رومیان را نابود ساختیم".



ظاهر احتمالی شاپور اول در نبردهایش برابر رومیان در قرن سوم میلادی. در قرن ششم میلادی یا پیش از آن شمشیر پهن از رده خارج شده و تنها در تشریفات به کار می رفت.

فیلیپ عرب

پس از شکست گوردیان در میسیکه فیلیپ عرب (۲۴۹-۲۴۴ م) امپراتور روم شد. اولین اقدام فیلیپ عرب پس از امپراتور شدن بستن پیمان صلح با شاپور بود که منابع رومی از آن به عنوان "تنگین ترین صلح" (Zosimus, III, 32. 4) یاد می کنند. مطابق سنگ نبشته کعبه زردشت فیلیپ ۵۰۰۰۰۰ دینار طلا به عنوان غرامت پرداخت تا بقایای ارتش شکست خورده گوردیان سوم را به سلامت از میسیکه به روم بازگرداند. رومیان همچنین از اینکه فیلیپ ارمنستان و میانرودان را به شاپور واگذار گرد ناخرسند بودند (Zonaras XII, 19, p.583, 1-5). اقدام شاپور برای تغییر نام میسیکه به "بیروز شاپور" تنها به تحقیر شدن رومیان افزود.



امپراتور رومی، فیلیپ عرب برای جبران عقد "پیمان صلح ننگین" با شاپور اول تلاش کرد وقتی اسواران (سواره نظام زبده ساسانی) به خاطر نبردهایی در شمال و شرق کشور دور شده بودند به ایران ساسانی یورش برد. هنگامی که شاپور اول بازگشت فیلیپ و نیروهای رومی را در هم شکست.

این قرارداد تحقیر آمیز بسیار برای رومیان تلخ و غیر قابل تحمل بود. فیلیپ شرایط قرارداد خود با شاپور را زیر پا گذاشت و در زمان مناسب دوباره به ارمنستان و میانرودان لشکر کشید. فیلیپ حمله خود را درست در زمانی به اجرا درآورد که شاپور درگیر نبردهای خود در شمال و شمال شرقی ایران بود تا همپیمانی باقی مانده مادها، خوارزمیان، کوشانی ها، گیل ها و دیلمیان را به دست بیاورد. در هنگام این نبردها بود که شهر "نوشاپور" در خراسان در شمال شرقی ایران بنا شد.

آشکار است که این زمان بندی فیلیپ ساسانیان را غافلگیر کرد. اندکی بعد ساسانیان ضربات خود را وارد آوردند. شاپور که نبردهای خود در شمال و شمال شرقی را با موفقیت پشت سر گذاشته بود با سپاه خود به غرب بازگشت. این در حالی بود که او حالا پیاده نظام برجسته دیلمیان را در کنار سواره نظام خود داشت.



روم با هم‌اورد خود روپرو می‌شود: نقش بیشاپور که شاپور یکم (سوار بر اسب) را در حالی نشان می‌دهد که امپراتور والرین (ایستاده در سمت چپ) را دستگیر کرده و فیلیپ عرب تقاضای شفاعت می‌کند (زانو زده). زیر سم اسب شاپور اول بدن لگد کوب شده گوردیان سوم به زحمت دیده می‌شود.

کتیبه‌های شاپور می‌گویند: "...و قیصر دوباره دروغید، در ارمنستان گناه کرد و ما به شهر (=کشور) روم یورش کردیم و سپاه شصت هزار نفری رومیان را در "بیالیش" -زدیم (نابود کردیم).."

این شکست رومیان باعث به وجود آمدن شکافی عمیق در موقعیت رومیان در میان‌رودان شد که به سقوط دوباره انطاکیه به دست "ایرانیان تیرانداز" (Oracula Sibyllina XIII, 89-102) در ۲۵۶ میلادی فرجامید. در پیوند با این واقعه زوسیموس می‌نویسد: "ایرانیان اگر اینقدر غرق در جمع‌آوری غنایم نمی‌شدند می‌توانستند کل آسیا را تسخیر کنند (Zosimus, I, 27.2)". اما به احتمال زیاد هدف شاپور تنها استحکام مواضع امپراتوری اش بود و نه تلاش برای تصرف زمین‌های رومیان و گسترش شاهنشاهی خود.

مورد دورا اروپو: "گازهای شیمیایی" یا استنشاق دود در فضای محدود تونل

یکی از مناطقی که در یورش شاپور به انطاکیه در سال ۲۵۶ میلادی به دست ایرانیان افتاد شهر دورا/روپرو بود (البته تاریخ دقیق آن مورد توافق همه مورخین نیست). این منطقه ای است که بارها بین شاهنشاهی‌های اشکانی/ساسانی ایران و رومیان/بیزانسی‌ها دست به دست می‌شود. این منطقه از جهاتی جالب توجه است، از جمله جزئیاتی در رابطه با شوالیه‌های زره پوش اشکانی و همچنین نقش مردی در لباس ایرانی کشف شده است که احتمال می‌رود زردشت باشد.

ساسانیان در مقایسه با پیشینیان اشکانی خود در محاصره کردن قلعه‌ها و شهرها بسیار موفق‌تر عمل می‌کردند و خیلی زود ثابت کردند در هنر محاصره و قلعه‌گیری با رومیان برابری می‌کنند. ساسانیان از فنون متنوعی در محاصره و قلعه‌گیری بهره می‌بردند و حتی برخی از فنون رومیان را به کار می‌بردند از جمله منجنیق و برج قلعه‌گیر. تیراندازی شدید از سوی پیاده نظام فنی بود که از زمان آشوریان به کار می‌رفت. یکی از با ارزش

ترین یافته ها در دورا اروپو بقایای یک سرباز ساسانی است که اطلاعات ارزشمندی در رابطه با کلاه خود، زره و سایر ادوات پیاده نظام های ساسانیان در آن دوران در اختیار ما می گذارد.

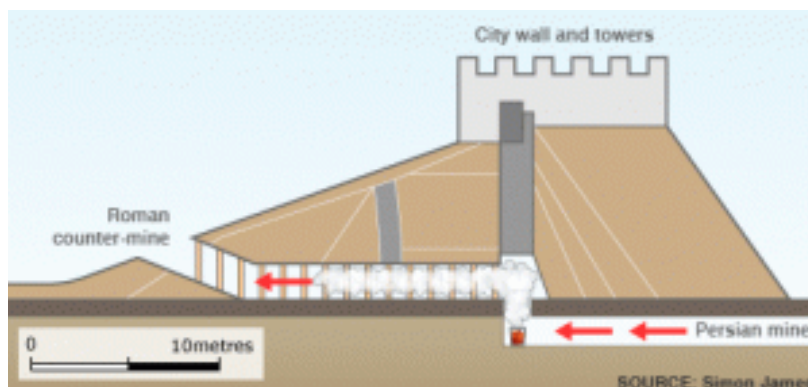


بقایای یک سرباز ساسانی در دورا اروپو (دانشگاه لستر)



بازسازی یک کلاه خود رومی بر پایه طراحی های ساسانیان (Peterson, 1992). پس از شکست های رومیان در برابر ساسانیان آن ها برخی جنبه های تکنولوژی ساسانیان را اخذ کردند.

یک فن که هم رومیان و هم ساسانیان در آن تبحر داشتند نقب زنی و ضد نقب زنی بود. منظور از نقب زنی رخنه کردن به قلعه های دشمنان از طریق کندن زمین بود. مدافعان نیز معمولاً ضد نقب می زدند و با حفاری های خود مهاجمان را غافلگیر می کردند که این کشمکش اغلب با مبارزه های تن به تن در یک فضای باریک همراه بود.



نقب زنی ساسانیان و ضد نقب زنی رومیان در عملیات دورا اروپو آن طور که پروفیسور جیمز شرح می دهد.

اکنون پژوهش جدیدی در جریان است تا روشن کند در نقب زنی ساسانیان برای رخنه به دورا اروپو چه رخ داده است. پروفیسور سایمون جیمز از دانشگاه لستر که یکی از پیشروترین کارشناسان و باستان شناسان دورا اروپو است یافته های خود در مورد یکی از ابزارهای به کار رفته توسط ساسانیان را ارائه کرد. وی معتقد است که این سربازان رومی نه با شمشیر و نیزه بلکه بر اثر تنفس یک گاز سمی کشته شده اند چون هیچ نشانی از زخم های مرگبار در این اجساد پیدا نشده است.

به نوشته روزنامه دیلی میل تفسیر سایمون جیمز از این واقعه که اواسط قرن سوم میلادی روی داده این است که: «سپاه ساسانی با حفر تونل قصد داشت دفاع این شهرک نظامی روم را در هم بشکند. در مقابل گروهی از سربازان رومی نیز با حفر تونل دیگری قصد داشتند به سپاه دشمن شیبخون بزنند. در یک مقطعی آنها با یکدیگر روبه رو شده و سربازان ساسانی با شعله ور ساختن فضای داخل تونل به رومی ها حمله کردند.» روزنامه دیلی میل از قول سایمون جیمز می نویسد: «سپاه ساسانیان از روش های مختلف و زیرکانه ای برای در هم شکستن دفاع شهرها استفاده می کرد و از جمله در شعله افکنی مهارت فراوان داشت. از قرار طی این نبرد سپاه ساسانی برای جلوگیری از پیشروی رومی ها در تونل، دامنه آتش را با ترکیب شیمیایی سولفور و بیتومن گسترش می دهد که باعث تولید گاز سمی و خطرناکی می شود. سربازان رومی داخل تونل به فاصله کوتاهی بی هوش شده و سپس بر اثر مسمومیت شیمیایی کشته می شوند.»

به نوشته دیلی میل: «سربازان ساسانی از طریق حفر تونل نتوانستند دفاع شهر دورائورپوس را در هم بشکنند ولی شواهد تاریخی نشان می دهد که به هر شکل آنها در نهایت شهر را تصرف کرده و پس از نابودی رومی ها و آواره کردن ساکنانش این شهر برای همیشه فراموش شد.» به گفته سایمون جیمز هر چند اسنادی وجود دارد حاکی از به کارگیری دود و گازهای سمی در تونل ها توسط سربازان یونانی علیه رومیان است اما این مورد مربوط به سپاه ساسانی تا کنون قدیمی ترین نمونه از به کارگیری مواد شیمیایی در جنگ است.

دیدگاه قابل توجه دیگر از [سوی دکتر مازیار اشرفیان بناب در خبرگزاری ها انعکاس یافت.](#) " دکتر مازیار اشرفیان بناب که استاد انسان شناسی زیستی و ژنتیکی در دانشگاه پرموت بریتانیا است در گفتگو با بی بی سی ادعای مطرح شده در گزارش آقای سایمور را رد کرد و بر نا کار آمدی گاز مورد اشاره در این گزارش در کشتن انسان ها تاکید کرد. آقای اشرفیان بناب گفت اجساد این کشته شده ها احتمالاً از سوی خود رومیان در پی درگیری با سربازان ایرانی و برای بستن راه نفوذ آنان در تونل حفر شده به کار گرفته شده است. بنا به گفته آقای اشرفیان بناب قرینه این امر آن

است که سربازان شاپور اول از طریق تونل دیگری که به اندازه عبور همزمان چهار سرباز ساسانی وسعت داشته است موفق به نفوذ در شهر و فتح آن شده اند

محاصره دورا اروپو یک موضوع مطالعاتی است که برای دهه ها مورد بحث قرار خواهد گرفت. عده کمی از دانشمندان بر این باور خواهند بود که موفقیت شاپور یکم به یمن استفاده از "سلاح های شیمیایی" بوده است. در حقیقت علت اصلی شکست رومیان اسواران ساسانی بود که سواره نظام های زبده ای بودند که تعدادی از بدترین شکست ها را برای روم رقم زدند.

نبرد نهایی با امپراتور والرین

امپراتور والرین (حکومت: ۲۶۰-۲۵۳ م) در ۲۵۳ میلادی به تخت نشست و خیلی زود برای سومین بار ارتش رومیان را سازماندهی کرد تا شکستشان در برابر ساسانیان را جبران کنند. رومی ها می خواستند شاپور، ارتش ساسانیان و مردم ایران را از بین ببرند.

والرین به سرعت در ۲۵۶ میلادی انطاکیه را از سربازان ساسانی خالی کرد و برای جشن گرفتن این پیروزی اولیه خود سکه های "پیروزی" ضرب کرد. خیلی زود ثابت شد که این جشن خیلی زود هنگام و نا بجا بود چرا که والرین تنها با سربازان درجه دوم پادگان ساسانیان مقابله کرده بود. او هنوز باید با سوارکاران زبده شاپور روبرو می شد. شاپور در حقیقت سواره نظام و ارتش اصلی خویش را حفظ کرده بود. او سپس در کرهه (حران) و ادسا مستقر شد. والرین بدون این که جانب احتیاط را رعایت کند نیروی پیاده نظام خود را نزدیک ادسا-حران مستقر کرد که یک منطقه مسطح و ایده آل برای عملیات سواره نظام بود. این همان منطقه ای بود که بیش از دویست سال پیش سربازان کراسوس به دست سواره نظام اشکانیان نابود شده بودند.

پیروزی های شاپور اول پادشاه ساسانی بر امپراطوران روم

mysticfilmsintl 5 videos



1,855

Uploaded by mysticfilmsintl on Feb 4, 2009

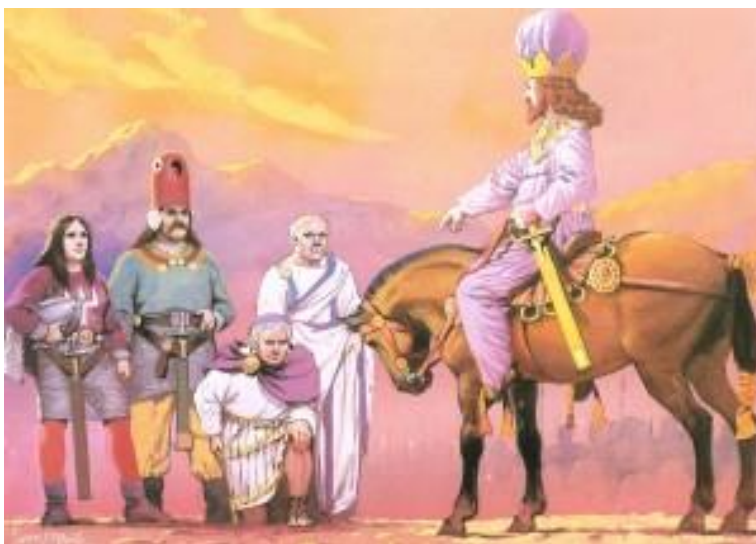
This is a short segment from the Documentary Series Iran, "The Forgotten"

23 likes, 0 dislikes

بخشی از مستند "ایران: شکوه فراموش شده" که در رابطه با پیروزی های شاپور اول بر والرین امپراتور روم است.

در واقع تاریخ خود را تکرار کرد: اسواران با شدت تمام رومیان را در هم شکستند (Festus, Breviarium, 23, p.64, 8-13) و هفتاد هزار سرباز از جمله سناتورها و افسران گارد محافظ امپراتور در سال ۲۶۰ میلادی به اسارت گرفته شدند. شاپور در سنگ نبشته خود خبر از طیف وسیعی از زندانیان اروپایی می دهد از جمله: "والریانوس قیصر به پذیره ما آمد و با او بود از سرزمین ژرمانیا، از سرزمین ریشیا، از سرزمین نیرکوس، از سرزمین داکیا، از سرزمین پندانیا، از سرزمین میسیا، از سرزمین آستاریا، از سرزمین اسپانیا، از سرزمین افریقا، از سرزمین تراکیا، از سرزمین بوتنیا، از سرزمین آسیا، از سرزمین پامپیا، از سرزمین آسوریا، از سرزمین لوکونیا، از سرزمین گلاتینا، از سرزمین لوکیا، از سرزمین کیلیکیه، از سرزمین کاپادوکیه، از سرزمین فریگیا، از سرزمین سوریه، از سرزمین فنیقیه، از سرزمین یهودیا، از سرزمین ارابیا، از سرزمین مورن، از سرزمین ژرمانیا، از سرزمین روتاس، از سرزمین اسنیوس و از سرزمین میانرودان، سپاهی هفتاد هزار نفر. و در آن سوی حران و الرها حمله بزرگی بر والریانوس قیصر بود(=شد)".

ضربه ای که شاپور بر ارتش روم وارد کرد حقیقتاً کمر شکن بود. یک سوم ارتش حرفه ای روم (از جمله افسران) که حدود ۱۵۰۰۰۰ نفر می شدند به سادگی نابود شدند (برای دیدن محاسبات کتاب "اسواران ساسانی" تالیف دکتر کاوه فرخ و برگردان یوسف امیری را ببینید).



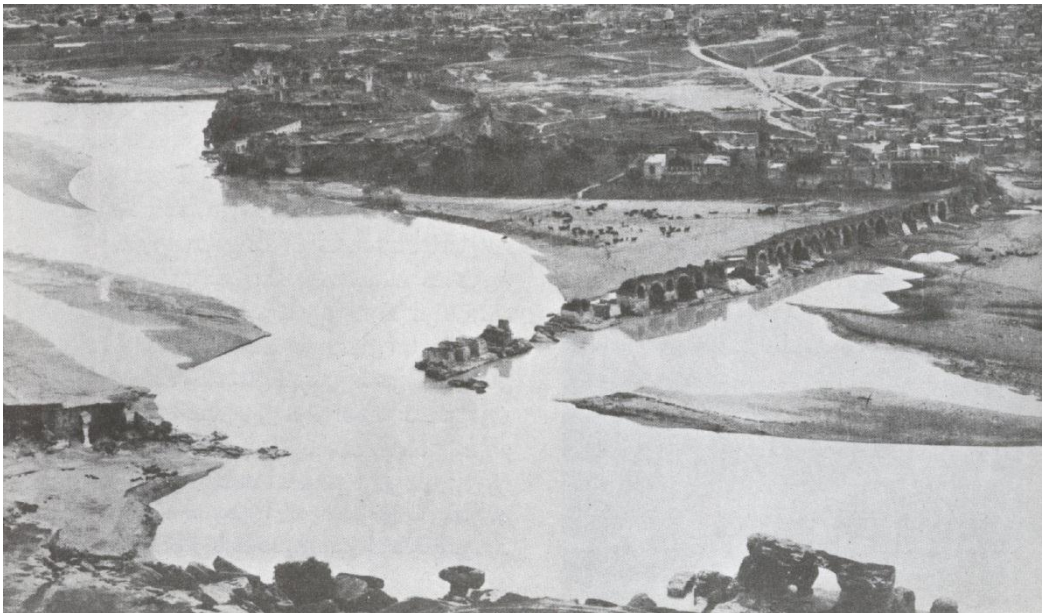
امپراتور والرین و سناتور رومی خود را به شاپور اول (سوار بر اسب) تسلیم می کنند. افسران سواره نظام ساسانی آن ها را مشایعت می کنند (کتاب اسواران ساسانی).

بیشترین ضربه روانی برای رومی ها اسیر شدن خود امپراتور والرین و ارباب تشریفات وی بود که این موضوع در سنگ برجسته های شاپور در کعبه زردشت، نقش رستم و بیشاپور جشن گرفته شده است "والریانوس قیصر را، خودم، با دست های خویش دستگیر کردم و سایر حاکمان، سناتوران، و فرماندهانی که در سر(=رأس) آن سپاه بود، همه را دستگیر کردم و به پارس هدایت کردم". در تاریخ روم او تنها امپراتوری است که به اسارت گرفته شد. "شکست و اسارت والرین از جمله تحقیرآمیزترین شکست های نظامی تاریخ روم است (Ferrill, 1988, p.38)".



سنگ برجسته بیشاپور: ارا به تشریفات والرین که به دست ارتش ساسانیان افتاد

در میان زندانیان رومی تعداد بسیار زیادی مهندس بودند که به کار ساخت سد ها و پل ها در خوزستان امروزی گماشته شدند و بقایای برخی از آثار آن ها نظیر پل بند شوشتر حتی تا امروز هم وجود دارد و این خود نشان از مهارت های مهندسی رومیان دارد.



بازمانده پل بند که به دست اسیران جنگی رومی ساخته شد.

اثر موزاییکی هنرمندان رومی در بیشاپور که زنان و مردان نجیب زاده ساسانی را به تصویر می کشد هنوز هم پابرجاست و به شکل تقریباً دست نخورده در موزه لوور پاریس نگهداری می شود.



زن نجیب زاده ایرانی که صنعتگران رومی اسیر شده به دست شاپور به تصویر کشیده اند.

منابع غربی از سرنوشت دردناک و ناراحت کننده والرین به دست ایرانیان خبر می دهند. بنا به گزارش رومی ها شاپور از او به عنوان چهارپایه برای سوار شدن بر اسبش استفاده کرد. گفته می شود پس از مرگ والرین بدنش را پر کردند و در معبد زردشتیان قرار دادند.



والرین تنها امپراتور رومی که اسیر شد.

گزارش منابع تاریخی ایرانی اما با گزارش رومیان در مورد سرنوشت والرین تطبیق نمی‌کند. شاهنامه از والرین به نیکی یاد می‌کند و گزارش می‌کند پس از شکست شاپور با وی به احترام برخورد کرد. شوالیه‌های ساسانی (اسواران) به زودی شهرت ترس‌آوری در میان رومی‌ها یافتند به طوری که لیبیانوس در رابطه با اسواران می‌نویسد: "رومیان حاضرند هر قضا و قدری را بپذیرند اما با اسواران ساسانی روبرو نشوند."

مطالعه بیشتر

- Banchich, T., & Lane, U. (2009). *The History of Zonaras: From Alexander Severus to the Death of Theodosius the Great*. London & New York: Routledge.
- Bekker, I. (1839). *Georgius Cedrenus Ioannis Scylitzae Ope*. Bonn: Impensis Ed. Webberi.
- Dodgeon, M.H. & Lieu, S.M.C. (1991). *The Roman Eastern Frontier and the Persian Wars (AD 226-363)*. London & New York: Routledge.
- Eadie, J.W. (1967). *The Breviarium of Festus*. London: Althone Press.
- Farrokh, K. (2005). *Elite Sassanian Cavalry*. Oxford: Osprey Publishing.
- Farrokh, K. (2008). *Shadows in the Desert: Ancient Persia at War*. Oxford: Osprey Publishing.
- Ferrill, A. (1988). *The Fall of the Roman Empire: The Military Explanation*. London: Thames & Hudson.
- Foerster, R. (1909-1927). *Libianus*. Leipzig: Hinrichs'sche Buchhandlung.
- Frye, R.N. (1984). *The History of Ancient Iran*. Munich, Germany: C.H. Beck'sche Verlagsbuchhandlung.
- Mommsen, T. (1882). *Jordanes: Historia Romana*. Berlin: MGH.
- Peterson, D. (1992). *The Roman Legions recreated in Colour Photographs*. London: Windrow & Greene Ltd.
- Reitemeier, J.F. (1837). *Corpus Scriptorum Historiae Zosimus*. Bonn: Impensis Ed. Webberi.
- Rolfe, J.C. (1935-1939). *Ammianus Marcellinus (Three Volumes)*. London: W. Heinemann.
- Thompson, G. (1979). *Die Oracula Sibyllina*. New York: Arno Press.
- Zarrin'kub, A. h. (2002). *Ruzgaran:tarikh-i Iran az aghz ta saqut saltnat Pahlvi*. Tehran: Sukhan.